

گزارش تحلیلی

تحلیلی بر حوادث جمعه گذشته اهواز

گاهی حادثه‌ای نگاه می‌تفاوت می‌طلبد!



حالی که شنیده‌ها از اهواز نیز حکایت از آن دارد تعداد کشته‌ها تخمین زده می‌شود این رقم بین ۶ تا ۲۳ نفر است. به هر حال بالا رفتن ناآرامی در تعطیلات آخر هفته گذشته واکنش‌هایی در سطح مختلف به موضوع داده شد و سرانجام با سخنران رئیس جمهور، سخنگوی دولت و... در حرکت ماجرا به عقب رانده شد اما روندی که سبب بروز این حادثه شده تجربه‌ای است که می‌تواند با نگاهی تألیف شگفته مانع بروز حوادث مشابه شود.

**بریده‌های جراید به چه کار می‌آید**

در حالی که از منظر قبل فعالیت برخی سلب‌های خبری و حتی وبلاگ‌ها محدود و دسترس‌ی به آنها ممنوع شده بود سایت‌های «الاجاره» که معلوم نیست چگونه اداره می‌شود از آن‌ها به فعالیت خود ادامه می‌داد.

از طرفی ماجرای نامه و اعتراض برخی محققان و خبرنگاران و اهواز در روزنامه‌های محلی حکایت از بروز حفری در سطح اعتراض داشت.

سید احمد موسوی نماینده مردم اهواز در مجلس شورای اسلامی می‌گوید: «در جلسه‌ای به تاریخ ۲۰ فروردین ۸۴ شخص از اجرائی استان خوزستان (استاندار دیدار کرد و موضوع را اطلاع دادم... از سویی دیگر) اهمیت این مسأله را به مجید انصاری معاون امور حقوقی رئیس‌جمهور نیز در میان گذاشتم، نامه و سایت مذکور را نیز به ایشان دادم...» (۲)

به هر حال اینک وزارت اطلاعات و دبیر خانه شورای امنیت ملی از طرف رئیس‌جمهوری موظف شده‌اند به سرکشی عملیات اقدام بر روی تهیه و توزیع چنین نامه‌ای را شناسایی و عنوان محرکین پیش‌قدم‌ها را شناسایی کنند. (۳)

با این حال سایت اینترنتی «مازتاب» گزارش داده است که منابع ایجابی که سربرگ رئیس‌جمهوری داشت منتشر کرد، نامه‌ای

کنده در واکنش حکایت از عدم شناخت موقعیت‌های مورد بحث نزد متولیان امنیت اجتماعی در سطح استانی و کشوری دارد. این ماجرا دست کم باید بهانه‌ای برای جلوگیری از حوادث مشابه در منطقه باشد که می‌تواند به واسطه داشتن قومیت‌های مختلف محل مناسبی برای سوء استفاده باشد.

۲۶ فروردین روی نمی‌داد. کاهی بود محتوای سایت «الاجاره» و بیانیه کدابی تحلیل و بررسی می‌شد. کاملاً واضح است که در خوزستان ۲ میلیون نفر عرب ساکن نیستند زیر خوزستان خود ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر مابقی شوشتری ذوق‌پوی، لری، بختیاری، بهبهانی و... هستند. بنابراین ضمن ارائه چنین آمارهای در کنار استعلام از ریاست جمهوری می‌شد با انتشار خبری رسمی در جراید از دامنه بافتن ماجرا کاست.

از سوی دیگر حال که وضع موجود منجر به اشتفگی شده باز هم عملیات روانی به اجرا در نمی‌آید بلکه سعی در کنترل فیزیکی شهر و مناطق ناآرام می‌شود. آن هم در شرایطی که خوزستان و اهواز به دلیل شرایط نامساعد مرزی در عراق ملوژا سلاح‌های سنگین است و کوچک‌ترین تحریکی می‌تواند به بروز استفاده از سلاح بختیاند.

خوزستان دارای شبکه استانی سیما و شبکه‌های مختلف صدا و سیمه و این امکان در آن وجود داشته که با انتشار اطلاعیه مختلف منطقی در مقابل انتشار بیانیه سایت مورد نظر از به هیجان در آمدن احساسات مردم جلوگیری کرد.

مسئله‌ها به نظر می‌رسد که رسانه ملی و اگر گذاری نظیر تلویزیون و رادیو عملاً در خدمت پلیس نبوده‌اند تا بتوان در موقع ضروری با اطلاع رسانی موقع از بروز حوادث کاست.

کندی در واکنش حکایت از عدم شناخت موقعیت‌های مورد بحث نزد متولیان امنیت اجتماعی در سطح استانی و کشوری دارد. این ماجرا دست کم باید بهانه‌ای برای جلوگیری از حوادث مشابه در منطقه باشد که می‌تواند به واسطه داشتن قومیت‌های مختلف محل مناسبی برای سوء استفاده باشد.

قندان و دیپلمای عامل با اعلامیه‌ای که توانسته‌اند صد‌ها اطلاعیه، از تهیه و پراکنش گریز ترجمه کرد و سپس گفتند خود حاکم عادل دارد. به نظر می‌رسد که در یک شهر چنین اتفاقی افتاده جای آنکه از بی‌اعتراض اجتماعی باید با نگاهی چندگانا هم‌اوار و سخت‌نست.

کندت‌های که همواره در قبال حوادث و بویژه ماجراهای خوزستان و آن غفلت شده است. بحث استراتژی است که به مسائل اجتماعی و هیجانات اجتماعی باید با نگاهی سیاسی - استنبی پرداخت.

در واقع بحث منجر به حادثه اخیر در اهواز نیز مانند نگاه جامعه‌شناسانه و روانشناسانه است تا در عین حالی که عوامل سوء استفاده گشتر سیاسی می‌شوند دلیل بروز یک حادثه و سبب بروز آن یک عقده در میان مردم نیز شناخته شود. ضمن آن که باید در درستی بررسی شود تا ببینیم که چرا سوء استفاده گران و طراحان این ماجرا با استفاده از نامه مجهول توانسته‌اند عده‌ای را تحریک کنند. بویژه آن که در آستانه انتخابات خوزستان ۸۴ این اوضاع قابل شناسایی و پیش بینی می‌پس می‌پس بود.

با این وصف بهتر آن است که پیش از سیاسی کردن موضوع و سوز کردن حیل‌های سیاسی ناشی از مباحث تحقیقاتی همچون سوز حادثه فراغ از نگاه‌های امنیتی به سبب شناختی حادثه جمعه گذشته اهواز پرداخته شود.

- ۱- قتل‌ها به نقل از روزنامه گویان ۲۸، ۱۸۲۰، ۲۸، ۴ فروردین ۸۴
- ۲- شماره ۱۰۰
- ۳- روزنامه جمهوری اسلامی شماره ۲۴۵۸ به تاریخ ۱۸/۲/۸۴

گفت و گو



تکیه بر تفکر و تفکر بر تکیه

به‌سانتازهای خود پرداختند و در کنار فارسی زبانها تلویزیون الجزیره هم سعی در دستکاری و بزرگ‌نمایی ماجرا کرد. نقش رسانه ملی در چنین مواقعی چه می‌تواند باشد؟

«واقعیت این است که یکی از دردها همین ماجرای تلویزیون و شبکه‌های داخلی است. باید در یک فضای خوب‌تر بررسی کنیم که علت و ریشه در مردم به شبکه‌های ماهواره‌ای چیست، به طور خاص این شبکه‌های داخلی چگونه خواسته‌های مردم شنیده می‌شوند. خودمان را نباید فریب دهیم. ما در کشور ما مردم تلناظر دارند. خواسته‌های آنان را برآورده نمی‌کند و وقتی برآورده نمی‌شود به شبکه‌های ماهواره‌ای روی می‌آورد که این امر موجب تحریک پندری را در مردم نموده و بویژه ماجرای اهواز، در مهرماه سال قبل دیدیم. دیدیم که چگونه یک مرد احمق بی سواد توانست تعدادی جوان که ما توانستیم به بررسی می‌آوردیم آن‌ها را فرنگی انجام بدهیم و او را بخوردند. «آقای دکتر موضوعی هم که می‌خواستیم شما به آن توجه کنید بحث مدیریت رسانه‌ها است.»

پایس ما در حین درگیری‌ها از روش‌ها و روش‌ها و با جامعه شناس به عنوان دبیر عملیاتی بهره‌ی نهری کبیر و گفت و گو به رفتارهایی می‌زند که ممکن است مستند باشد. البته این گفتگو در تهران حکایت کمتر شده است. مسأله‌ها نه در پلیس و نه در دستگاه قضایی از چنین تخصص‌هایی بی‌بهره مانده‌ای قلاً قلاً که قرار بود نسبت دادگاه خاوندان دادگاه اطفال شود. باید دوره روش‌شناسی قانون‌ها و کدک را می‌گزاند. اما الآن چنین خطای است. ما نمی‌توانیم چراغ‌های مردم را در جهت بالا بفرستیم. قریب‌تر از آن تخصص‌هایی نظیر روانشناسی، جامعه‌شناسی و کفرشناسی بی‌بهره مانده‌ای. در پلیس نیز اجزای وظایف به ویژه در مبارزه با جرم‌های سازماندهی شده نظیر روش‌شناسی، جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی حقوق است. من با پلیس این‌ها خود کرده‌ام که می‌تواند این‌ها را کند این قانون می‌تواند من را راهنما کند. این‌ها خلاف بود و این‌ها قانون را من می‌دانم. باید چه روزی این قبیل نقاط ضعف‌ها را به موقع شناسایی کرد و در واقع نظری هیجانات ناشی از احساسات جمعی به خشونت کشیده شود.

حیات قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را رعایت موازین اسلام بر خود دارند. پس می‌توانیم که تبعیض را قوانین، بر گرفته از اصول اسلام نفی کرده است. حضرت علی (ع) که در نهج البلاغه در فرماتی به ما مالک اشتر می‌گوید: مالک اشتر می‌گوید: تو بر آنها حکومت می‌کنی یا در دین با تو نشکرند یا در خلقت و این جمله شگفت و آری است (۱۴ فروردین).

برگردد به مسأله خوزستان. آنجا از اقوام مختلف در کنار هم زندگی می‌کنند. طبق نامه‌ای که به طرفت عرب‌های خوزستان ترمز می‌کنند که دولت فساد دارد از طریق جایگزینی اقوام دیگر از منطقه خوزستان ترغیب می‌کند. در کنار این موضوع مسائل دیگر هم وجود داشته که جمله‌نمایی که موجب قانون ادارات دولتی به ویژه کشت و صنعت و صنعت‌های تصرف کرده است. علاوه بر این زبان‌هایی که از کار کرد کارخانه‌های مربوطه به زمین‌های کشاورزی وارد شده و دیگر زبان‌هایی که مجموعه سبب شده و دست به دست هم داده تا موضوع عمل نکردن در مقابل رفغ تبعیض‌های نام‌های جمعی بتواند مردم را به سادگی تحریک کند.

**آقای سیدزاده شما خودتان هم آمده‌اید؟ در نظر شما در باره آن نامه چیست؟**

«بلک هفته قبل از حوادث بود بحث نامه را دیدم و به محض رؤیت جعلی بودن آن برابرم محرز شد زیرا من هم به واسطه سابقه کار قضاتم در خوزستان و هم شناختم از دولت و حکومت و سیاست‌های موجود ریشه‌های تبعیض‌ها می‌توانم شناختن اما باید نکته‌ای را تأکید کنم که برخی سیاست‌های موجود در برخی جناح‌های سیاسی هم قابل پسند نیست. متأسفانه باید بگویم حلق و خوی بسیار بدی در میان هست که مایل فردی و گروهی را بر مصلحت جامعه ترجیح می‌دهیم. همه از دست مردم سخی می‌گویند ولی باید پرسید کدام مردم. از طرفی باید می‌توانیم ما را بی‌ای مردم مشخص شود و از مصلحت عمومی جامعه هم تعریفی از آنها همی و همه به آن تعریف پایبند نیستیم. این تحریکات که در خوزستان شکل گرفته است پیروده دشمن و اجنبی بوده و باید دست‌ها که دست‌ان در دست‌ان دولستان انقلاب اسلامی باید اجازت چنین تحریکاتی از چنین نقاط ضعیفی را بگیرند و در صدد رفع تبعیض بپردازند.

**بلک موضوعی را اشاره کردید. بحث تبعیض را آوردید. دست‌افشانه در ماجراهای اخیر رسانه‌های ما اصلاحیه پیشنهاد می‌دهیم. ماجرا نیز در داختمند و خودتان هم شبکه‌های محلی هم حاضر نشدند. برنامه‌هایی در راستای آرام کردن فتنه پیش‌کش کردید. در همین حال رسانه‌های خارجی به ویژه تلویزیون‌های ماهواره‌ای**

گفت که با سرویس گذاشتن بروی آن نمی‌توان حقیق را منکر شد. پیش از ماجرای اهواز بارها در دری و ولعی که پس از بازپایی فوتبال بویژه شکست ایران مقابل بحرین روی داده بود به موضوع فکر کرده و درباره آن تحقیق کرده بودم. وقتی با تعدادی از بهبهانی که در پی اقدامات پس از این بازی راهی دادگاه اطفال بودند صحبت کردم در باقیمت که آنها نمی‌دانند چرا دست به ارتکاب جرم کرده‌اند و چرا تحریک شده‌اند.

**آیا در جمع قرار گرفتن و مانع شدن از بروز هیجانات سبب این تحریکات و اقدام به اعمال نابهنجار نمی‌شود؟**

«بگذارید مثالی بزنم که اتفاقاً خیلی تازه است. من از زیورزی فوتبال ایران و برتیم فوتبال زاین در خیابان میرداماد شاهد شادی مردم و جوانان در این خیابان بودم. مردم با یوق زدن و تکان دادن برف پاک‌کن با او بخش موسیقی شادی خود را زخمی می‌کردند. اما پس از پیل میرداماد پلیس منبر می‌آید در این ملوار را بسته بود و موجب ازدحام خودروها شده بود.

همین امر سبب عصیانیت مردم شده و بعد هم که پلیس یگان ویژه آمد تبعیض و تحریک مردم خود چندان شد. حال آن که پلیس می‌توانست با انتخاب روش‌های بهتر از اقدامات شج جلوگیری کند. ولی ماجراها تا ساعتی پس از نیمه شب ادامه داشت. «درود کبیر» جامعه‌شناس برجسته فرانسوی در این باره و این قبیل ماجراها می‌گوید: «مردم وقتی در جمع قرار می‌گیرند دست به اعمالی می‌زنند که اگر تنها شوند یا خود می‌دیدند که آن کار را انجام نمی‌دادند، یعنی این امر در جامعه شناسی ثابت شده است که احساسات در جمع و احساس فرد در تنهایی متفاوت است.

**با این مقدمه‌های که درباره شکل گرفتن هیجانات منجر به ناآرامی و نابهنجاری آوردید، چگونه می‌توان ماجراهای اهواز و وقایع اخیر را تامل کرد؟**

«مسأله‌ای که درباره اهواز باید به آن اشاره کنم مسأله برخی تبعیض‌ها هستند به قومیت‌هاست. باید تأکید کنم این تبعیض‌ها مربوط به سال‌های اخیر بوده و اغلب ریشه در دهه‌های گذشته - دست کم از ۸۰ سال - دارد. مسأله تبعیض قومیتی را باید بطور ریشه‌ای حل کنیم ما به موجب دو طرفه ستان بین المللی می‌توانیم چنین شورای ملی در ۱۳۵۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر بر اینده‌تریم. در اعلامیه بشری هر تفرقه تبعیض محکوم است.

در این باره باید به اصل ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی اشاره کنم که تصریح کرده است مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نباید آنها خواهد بود. همه افراد ملت هم از زن و مرد یکسان در

که می‌گفت ۴ میلیون عرب ساکن در خوزستان باید تغییر مکان داده شوند و ترکیب جمعیتی این استان تغییر یابد. این نامه شماره‌ای مطابق ۱۲/۲۷/۸۴ به تاریخ ۲۰ مرداد ۷۷ داشت که رونوشتی از آن به وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت اطلاعات، وزارت کشور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، فرستاده شده بود. (۱)

در این میان با شروع سال جدید این نامه به شکل رسمی در قالب ۵ صفحه شامل ۲ صفحه متن فارسی، ۲ صفحه متن ترجمه عربی و یک صفحه تاریخچه‌ای از یک فرقه مذهبی در عرسران سودی در خوزستان بویژه اهواز توزیع شد.

گروهی یکی از روزنامه‌های محلی در سرمقاله روز چهارشنبه ۲۴ فروردین ۸۴ خود خوستار روشن شدن عوامل تهیه و تکثیر نامه از یک سو و واکنش درست به موضوع از سوی دیگر شده بود. اما پیشینه و جرمه گذشته ماعول عرب نشین اهواز به محل ناآرامی تبدیل شد.

سرگه باسلر حسن اسد مسجیدی «معاون اجتماعی و ارشاد نیروی انتظامی خوزستان در این باره به خبرگزاری ایسنا گفته است: «۱۳۷۰ نفر از عوامل ناآرامی‌ها دستگیر شدند. در آن حادثه ۸ نفر زخمی شده‌اند و یک نفر نیز اثر بر اثر اصابت گلوله فردی غیر از نیروی پلیس زخمی شده است.»

با این حال سایت اینترنتی «مازتاب» گزارش داده است که منابع ایجابی که سربرگ رئیس‌جمهوری داشت منتشر کرد، نامه‌ای

گاهی یک قتل، گاهی یک سرقت، گاهی یک آدم‌ربایی و یا گاهی یک کت‌شوی و... ذهن همه را به خود مشغول می‌کند. اما گاهی یک حادثه نه از جنس قتل است، نه از جنس سرقت و نه از جنس حواشی که معمولاً در صفحه حوادث می‌خوانیم. در واقع گاهی آن حادثه که ذهن همه را به خود مشغول می‌کند یک آشوب است یا بستری سیاسی، اجتماعی، اقتصادی یا فرهنگی و ورزشی...!

این تمرکز توجه همه را به سوی می‌کشاند که چرا می‌تواند واقعاً و بچونید دست‌آخر هم موضوع با گذشت زمان به حاشیه می‌رود و گاه به بیگانگی برهنده‌ها سیرده می‌شود.

در این میان حتماً الزاماً پرداختن به حادثه‌ای متفاوت از ماجراهای چون قتل، آدم‌ربایی و سرقت مسلمانان در صفحات سیاسی آن هم در شرایطی که بازار سیاسی کاری داغ است نیست. به عبارت دیگر برخلاف آنچه این روزها شاهد پرداختن به حادثه‌ای در صفحات سیاسی هستیم موضوع مورد نظر ما این توان به پیش‌تحلیل اجتماعی و کاملاً به دور از فضای سیاسی به وجود آمده پیش از انتخابات هم بررسی کرد، کو این که به نظر می‌رسد منشا چنین حادثه‌ای خود انتخابات باشد.

در حالی که شهر اهواز از وقوع حوادثی چون سرقت‌های مسلمانان رنج می‌برد اما حفته جمعه گذشته به وقوع پیوست تا نشان دهد که موضوع امنیت این در این منطقه قریب‌تر از آن است که بررسی است.

انتشار یک نامه جمعی در خوزستان و بویژه شهر اهواز دست کم موجب بروز خرابی‌ها به امان دولتی و خصوصی و حتی مجروح شدن عده‌ای است.

سختی‌های گزارش‌ها از منابع محلی در اهواز حکایت از آن دارد که دست کم ۳ نفر جان خود را در درگیری‌ها از دست داده‌اند. فراغ از صحنه گذشتن به هر یک از این گزارش‌ها به نظر می‌رسد وقوع این حادثه گرچه به‌شبه‌ای سیاسی - اجتماعی داشته ولی به دلیل کندی در عمل و فقدان کاروش عملیاتی روانی - پلیسی منجر به اشتفگی شده که در جمعه ۲۶ فروردین ۸۴ روی داده است. این اشتفگی‌ها که ماجرای حادثه اهواز می‌تواند ایجاد موضوع را به تصویر کشیده و با نگاه از زاویه متفاوت نشان دهد که فقدان برخی تخصص‌ها و عدم استفاده از آنها در مجموعه پلیس چگونه باعث حادثه‌های بد و ضعیف‌تری عادی می‌شود.

**از اعتراضات پر رنگت تا مجمع حادثه خیز**

برخلاف آنچه موضوع منجر به حادثه اخیر در اهواز را منتسب به پاره ۸۴ می‌داند انتشار یک نامه جمعی از اواخر زمستان ۱۳۸۲ اهواز بسیار سوزی‌تری اعتراضات در این شهر شد.

این وضعی با انتشار برخی مطالب در روزنامه‌های محلی اعلام شد بوی آن که باز خیزان داشته باشد ادامه یافت. اما نامه‌ها که به گفته منابع به عده‌ای می‌رسد مفر پوشش و پشتیبانی آن کشور نگلیت بخش به انعکاس و برجسته‌سازی این موضوع بود و بطور مرتب خوستار و واکنش به این نامه‌ها از طریق اعتراض‌های علنی شد.

با این حال سایت «الاجاره» نام دارد نامه‌ای از «سید محمدعلی ایجابی» که سربرگ رئیس‌جمهوری داشت منتشر کرد. نامه‌ای

گفت و گو

در گفت و گو با یک کارشناس مطرح شد

هیجانات نابهنجار

در احساسات جمعی ناخودآگاه

گفت که با سرویس گذاشتن بروی آن نمی‌توان حقیق را منکر شد. پیش از ماجرای اهواز بارها در دری و ولعی که پس از بازپایی فوتبال بویژه شکست ایران مقابل بحرین روی داده بود به موضوع فکر کرده و درباره آن تحقیق کرده بودم. وقتی با تعدادی از بهبهانی که در پی اقدامات پس از این بازی راهی دادگاه اطفال بودند صحبت کردم در باقیمت که آنها نمی‌دانند چرا دست به ارتکاب جرم کرده‌اند و چرا تحریک شده‌اند.

**آیا در جمع قرار گرفتن و مانع شدن از بروز هیجانات سبب این تحریکات و اقدام به اعمال نابهنجار نمی‌شود؟**

«بگذارید مثالی بزنم که اتفاقاً خیلی تازه است. من از زیورزی فوتبال ایران و برتیم فوتبال زاین در خیابان میرداماد شاهد شادی مردم و جوانان در این خیابان بودم. مردم با یوق زدن و تکان دادن برف پاک‌کن با او بخش موسیقی شادی خود را زخمی می‌کردند. اما پس از پیل میرداماد پلیس منبر می‌آید در این ملوار را بسته بود و موجب ازدحام خودروها شده بود.

همین امر سبب عصیانیت مردم شده و بعد هم که پلیس یگان ویژه آمد تبعیض و تحریک مردم خود چندان شد. حال آن که پلیس می‌توانست با انتخاب روش‌های بهتر از اقدامات شج جلوگیری کند. ولی ماجراها تا ساعتی پس از نیمه شب ادامه داشت. «درود کبیر» جامعه‌شناس برجسته فرانسوی در این باره و این قبیل ماجراها می‌گوید: «مردم وقتی در جمع قرار می‌گیرند دست به اعمالی می‌زنند که اگر تنها شوند یا خود می‌دیدند که آن کار را انجام نمی‌دادند، یعنی این امر در جامعه شناسی ثابت شده است که احساسات در جمع و احساس فرد در تنهایی متفاوت است.

**با این مقدمه‌های که درباره شکل گرفتن هیجانات منجر به ناآرامی و نابهنجاری آوردید، چگونه می‌توان ماجراهای اهواز و وقایع اخیر را تامل کرد؟**

«مسأله‌ای که درباره اهواز باید به آن اشاره کنم مسأله برخی تبعیض‌ها هستند به قومیت‌هاست. باید تأکید کنم این تبعیض‌ها مربوط به سال‌های اخیر بوده و اغلب ریشه در دهه‌های گذشته - دست کم از ۸۰ سال - دارد. مسأله تبعیض قومیتی را باید بطور ریشه‌ای حل کنیم ما به موجب دو طرفه ستان بین المللی می‌توانیم چنین شورای ملی در ۱۳۵۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر بر اینده‌تریم. در اعلامیه بشری هر تفرقه تبعیض محکوم است.

در این باره باید به اصل ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی اشاره کنم که تصریح کرده است مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نباید آنها خواهد بود. همه افراد ملت هم از زن و مرد یکسان در

گفت که با سرویس گذاشتن بروی آن نمی‌توان حقیق را منکر شد. پیش از ماجرای اهواز بارها در دری و ولعی که پس از بازپایی فوتبال بویژه شکست ایران مقابل بحرین روی داده بود به موضوع فکر کرده و درباره آن تحقیق کرده بودم. وقتی با تعدادی از بهبهانی که در پی اقدامات پس از این بازی راهی دادگاه اطفال بودند صحبت کردم در باقیمت که آنها نمی‌دانند چرا دست به ارتکاب جرم کرده‌اند و چرا تحریک شده‌اند.